

ORIGINAL ARTICLE

The Role of Interpretation and Description in Distinguishing Check Deposit from Check Issuance

Saeideh Bagheri Asl¹, Heydar Bagheri Asl²

1. Assistant Professor, Private Law Department, Faculty of Law, Theology & Politic Sciences, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

2. Professor of Department of Law, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

Correspondence:

Saeideh Bagheri Asl

Email: bagheriasl@iau.ac.ir

Received: 13/Apr/2025

Revised: 11/Jun/2025

Accepted: 31/Aug/2025

Published: 11/Mar/2026

How to cite:

Bagheri Asl, S.; Bagheri Asl, H. (2026). The Role of Interpretation and Description in Distinguishing Check Deposit from Check Issuance, *Civil Law Knowledge*, 14 (2), 133-144.

(DOI: [10.30473/clk.2025.74254.3368](https://doi.org/10.30473/clk.2025.74254.3368))

ABSTRACT

Although the two legal entities of "deposit check" and "check issuance" in most cases have different and distinct functions, sometimes and in cases of lack of evidence for each of them, the judge is confused between the two entities and faces a problem in distinguishing and distinguishing them from each other. Such cases of conceptual confusion between the two entities are realized if the plaintiff claims fraud in a trust check, but the defendant claims that the check was issued for the plaintiff's debt and was placed at his disposal, and neither of them can provide any evidence for their claim. Therefore, the main question of the research is: "How can a trust check be distinguished and distinguished from the issuance of a check in the aforementioned cases?" The research method is descriptive-analytical with reference to library tools, and the research has reached the following general conclusion: The only exclusive solution for the judge to distinguish and distinguish between deposit check from check issuer is to use the two institutions of interpretation and description, respectively.

KEY WORDS

Betrayal of Trust, Conceptual Mixing, Check Issuance, Description, Interpretation Trust Check.



«مقاله پژوهشی»

نقش تفسیر و توصیف در تفکیک امانت چک از صدور چک

سعیده باقری اصل^۱، حیدر باقری اصل^۲

چکیده

هرچند دو نهاد حقوقی «ودیعۀ چک» و «صدور چک» در غالب موارد، کارکردهای متفاوت و متمایزی دارند، اما گاهی و در موارد فقدان ادله اثبات برای هر کدام از آن دو، قاضی را در اختلاط مفهومی بین آن دو نهاد قرار می‌دهد و تشخیص و تفکیک آنها را از یکدیگر مواجه با مشکل می‌سازد. چنین موارد اختلاط مفهومی بین دو نهاد مذکور در صورتی تحقق دارد که شاکی مدعی خیانت در چک امانتی باشد، اما مشتکی‌عنه مدعی گردد، چک از بابت بدهی شاکی صادر گشته و در اختیار او گذاشته شده است و هیچ کدام دلیل اثباتی برای ادعای مذکور خود نتوانند ارائه دهند. بنابراین، سؤال اصلی تحقیق چنین است که «چگونه می‌توان ودیعۀ چک را از صدور چک در موارد مذکور، تشخیص داد و تفکیک کرد؟». روش تحقیق، توصیفی تحلیلی و با استناد به ابزار کتابخانه‌ای است و پژوهش به این نتیجه کلی دست یافته است که تنها راه حل انحصاری قاضی در تشخیص و تفکیک ودیعۀ چک از صدور چک، به ترتیب، استفاده از دو نهاد تفسیر و توصیف است.

واژه‌های کلیدی

اختلاط مفهومی، توصیف، تفسیر، خیانت در امانت، صدور چک، ودیعۀ چک.

۱. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، تبریز، ایران.
۲. استاد گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

نویسنده مسئول:

سعیده باقری اصل

ایمانامه: bagheriasl@iau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۹

تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۱۲/۲۰

استناد به این مقاله:

باقری اصل، سعیده؛ باقری اصل، حیدر (۱۴۰۴). نقش تفسیر و توصیف در تفکیک امانت چک از صدور چک، دوفصلنامه علمی دانش حقوق مدنی، ۱۴ (۲)، ۱۳۳-۱۴۴.

(DOI: [10.30473/clk.2025.74254.3368](https://doi.org/10.30473/clk.2025.74254.3368))



مقدمه

صدور چک و امانت چک دو نهاد از نهادهای حقوق ایران هستند. هرچند صدور چک یک مسئله حقوق تجارت است و امانت چک یا چک امانی علاوه بر مسئله حقوق تجارت در حقوق مدنی و مجازات اسلامی نیز می‌باشد، اما گاهی ممکن است صدور چک و امانت چک با یکدیگر اختلاط مفهومی پیدا کند و تفکیک آن دو از یکدیگر مواجه با مشکل گردد.

اختلاط مفهومی بین دو نهاد صدور چک و خیانت در امانت چک برای قاضی پرونده در صورتی پیش خواهد آمد که شاکی یا خواهان مدعی خیانت در چک امانتی با تصاحب امانت در چک باشد، اما مشتکی عنه یا خوانده مدعی گردد چک از بابت بدهی شاکی صادر گشته و در اختیار او گذاشته شده است و تصاحب او در چک قانونی بوده است و هیچکدام دلیل اثباتی برای ادعای مذکور خود نتوانند ارائه دهند.

منشأ اختلاط مفهومی بین امانت برای حفظ و نگهداری چک و بین صدور و تسلیم چک به طرف مقابل برای قاضی پرونده مربوط به تشابه ماهیت این دو نهاد است؛ به این توضیح که عقد امانت، عقدی است که به موجب آن مودع مال خود را به مستودع می‌سپارد تا آن را به نفع مودع حفظ کند و در زمان مقرر بازگرداند (قانون مدنی، ماده ۶۰۷)، اما ماهیت صدور چک یک عمل حقوقی دیگری دارد و صدور چک برای پرداخت فوری دین است و وجه چک باید به محض ارائه کارسازی شود (قانون تجارت، ماده ۳۱۳). برای مثال، اگر شخصی، در اختیار دیگر چک صادر شده قرار دهد، این عمل ممکن است هم به عنوان صدور چک و هم به عنوان امانت چک تلقی شود؛ به این توضیح که دارنده چند فقره چک خود را برای حفظ و نگهداری در گاوصندوق غیر به غیر تحویل دهد و از او بخواهد مدتی آنها را برای وی در گاوصندوق حفظ و نگهداری نماید. با این وصف، بین آن دو نفر اختلاف پیش آید و دهنده چک‌ها، مدعی امانت بودن چک‌ها کند اما دارنده فعلی چک‌ها، مدعی صدور چک‌ها و تسلیم آنها از بابت پرداخت وجوه بدهی شخص صادرکننده باشد و هیچ کدام دلیل اثباتی ادعای خود را به مرجع رسیدگی نتوانند ارائه دهند. در اینگونه موارد صدور چک و امانت چک برای قاضی، اختلاط مفهومی پیدا می‌کند.

برابر توضیح مذکور، قلمرو مسئله تحقیق حاضر تنها منحصر به موارد فقدان دلیل خاص از ادله اثبات دعوا و شک و استمرار آن در امکان و صلاحیت هر یک از دو نهاد امانت چک یا صدور چک و عدم امکان تشخیص و تفکیک یکی از آن دو از دیگری با سایر ادله اثبات دعوا می‌باشد؛ زیرا اگر قاضی پرونده در موارد وجود دلیل

خاص از ادله اثبات دعوا به آن دلیل استناد خواهد جست و تکلیف نزاع را تعیین خواهد نمود (قانونی اساسی، اصل ۱۶۷؛ قانون آیین دادرسی مدنی، ماده ۳) یا اگر صادرکننده چک، مدارک معتبر در اختیار داشته باشد که ثابت کند دارنده چک، مرتکب خیانت در امانت چک شده است یا مشتکی عنه با مدارک اثباتی بتواند اثبات نماید که خیانت در چک امانتی رخ نداده و تصاحب او در چک مورد نزاع قانونی بوده است، مسئله از بحث این مقاله خارج است، اما اگر شاکی یا مشتکی عنه مدرک معتبری در اختیار نداشته باشند که ثابت کند حقیقت مسئله چی بوده است و شاکی بدون دلیل معتبر ادعای خیانت در چک امانتی مذکور کند و مشتکی عنه هم ادعای شاکی را مردود اعلام کند و دفاع کند که صدور چک و تسلیم آن به او از بابت بدهی صادرکننده بوده است و او نیز دلیل اثباتی در اختیار نداشته باشد و به این ترتیب، بین ادعای صدور چک و بین ادعای خیانت در امانت چک، اختلاف بین شاکی و مشتکی عنه پیش آید و با طرح شکایت در دادسرا و ارجاع آن به بازپرس هر چند باید به این پرونده و شکایت رسیدگی قضایی شود، اما باید بررسی شود که قاضی پرونده چگونه وارد این شکایت و اقدام به رسیدگی و صدور قرار اعم از جلب دادرسی یا برائت صادر خواهد نمود و مستند او باید چه چیزی باشد.

آنگاه اهمیت تحقیق در این مسئله واضح خواهد شد که توجه داشته باشیم قاضی این پرونده برابر اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده سوم قانون آیین دادرسی مدنی، باید حکم مسئله را صادر کند و به خصومت فیصله بدهد و نمی‌تواند به دلیل سکوت یا ابهام و اجمال و تعارض قوانین، استتکاف از رسیدگی و صدور رأی نماید لذا باید بررسی شود که در این وضعیت مسئله، قاضی چگونه به این اختلاط مفهومی بین امانت چک و صدور چک، رسیدگی و رأی صادر خواهد کرد؟

مشکل مسئله در این است که مفهوم امانت چک با مفهوم صدور چک در این پرونده اختلاط پیدا کرده است و تنها راه مسئله با عنایت به ادعاهای طرفین شکایت، تشخیص و تفکیک این دو نهاد از یکدیگر و مقدم داشتن احکام و آثار آن نهاد بر احکام و آثار نهاد دیگر است. از این رو، این تحقیق در صدد است دو نهاد تفسیر و توصیف را به ترتیب، در تفکیک صدور چک از امانت چک به کار گیرد و در این خصوص سؤال اصلی تحقیق چنین است که: «نقش تفسیر و توصیف در تشخیص و تفکیک امانت چک از صدور چک در موارد فقدان دلیل معتبر برای اثبات ادعای یکی از طرفین دعوا و شکایت چیست؟».

فرضیه تحقیق در موارد فقدان مدرک معتبر بر اثبات ادعای یکی از طرفین دعوا و شکایت بر صدور چک یا امانت چک این

است که: به ترتیب، دو نهاد تفسیر و توصیف در تشخیص و تفکیک امانت چک از صدور چک در حقوق ایران، نقش کلیدی دارند و تنها راه حل تفکیک اختلاط مفهومی آن دو تلقی می‌گردند. روش این تحقیق، توصیفی تحلیلی و کتابخانه‌ای و استفاده از دو نهاد تفسیر و توصیف در حل مشکل مسئله فوق است. در پیشینه و ضرورت انجام تحقیق حاضر باید گفت: پژوهش خاصی در پیشینه این تحقیق مشاهده نشد و از این جهت، ضرورت دارد تکلیف این مسئله با انجام یک پژوهش مستقل روشن شود و خلأ موجود در این خصوص مرتفع گردد و تکلیف موارد اختلاط مفهومی امانت چک با صدور چک در حقوق ایران برای محققان، قضات و وکلای دادگستری تعیین گردد. با این وصف، دو مقاله به شرح ذیل برای پیشینه مفاهیم این تحقیق قابل استناد و طرح است:

مؤلفان مقاله نخست، محمد منصوری، محمدمهدی الشریف و سیدمحمدصادق طباطبایی هستند. این مقاله تحت عنوان: «توصیف عقد در عقود مختلط در حقوق ایران، فقه امامیه و حقوق فرانسه» و در شماره ۱ دوره ۱۳ مجله «حقوق تطبیقی» طی صفحات ۴۳-۶۱ به چاپ رسیده است. این مقاله در صد پاسخ این مسئله است که اگر متعاقبین مضمون دو یا چند عقد را در قالب یک عقد منعقد سازند، این عقد، تحت کدام عنوان توصیف می‌شود و شرایط، احکام و قواعد کدام عقد بر آن ناظر شود؟ مؤلفان مقاله به این نتیجه کلی رسیده‌اند که باید در عقود معوض معین، عوض عقد را ملاک پاسخ سؤال مذکور قرار داد و در عقود نوبنی که از آثار عقود متعدد برای تحقق غرض واحد استفاده شده است، ما نه با یک عقد مرکب، بلکه با یک عقد بسیط نامعین روبه‌رو هستیم (منصوری، محمدمهدی الشریف و سیدمحمدصادق طباطبایی، ۱۴۰۱: ۴۳-۶۱).

مؤلف مقاله دیگر محمد ریاحی است. این مقاله تحت عنوان: «مطالعه تطبیقی جایگاه دیوان عالی کشور بر دادگاه‌ها با توجه به حکمی و موضوعی بودن تفسیر قرارداد در حقوق ایران و فرانسه» و در شماره ۲ دوره ۱۴ مجله «مطالعات حقوق تطبیقی» طی صفحات ۸۰۷-۸۲۹ به نگارش درآمده و چاپ شده است. این مقاله، شناخت مسائل حکمی از موضوعی را در تفسیر قرارداد ملاک عمل قاضی قرار داده و حدود اختیار قاضی ماهوی و قلمرو نظارت دیوان عالی کشور را از این طریق تعیین کرده و به این نتیجه کلی رسیده است که در هر دو نظام حقوقی ایران و فرانسه، دیوان عالی کشور می‌تواند تنها در امور حکمی نظارت کند و نمی‌تواند اختیار قاضی را در امور موضوعی محدود نماید (ریاحی، ۱۴۰۲: ۸۰۷-۸۲۹).

مصادیق اختلاط مفهومی صدور چک و خیانت در امانت چک

الف) یکی از مصادیق اختلاط مفهومی ادعای صدور چک با عنوان اعتبارسازی از دارنده چک و ادعای خیانت در امانت چک از سوی صادرکننده چک است (قانون مجازات اسلامی، ماده ۶۷۴). چنین اختلاط مفهومی بین این دو نهاد حقوقی در پرونده‌های قضایی پدید می‌آید که شاکی مدعی خیانت در امانت چک شود و توضیح دهد که به مستکی‌عنه چند فقره چک به امانت داده است؛ به این بیان که مستکی‌عنه در اثر ورشکستگی ترس رجوع همزمان طلبکاران جهت اخذ وجوه طلب خود از ایشان را داشت و به شاکی پرونده به عنوان یکی از دوستان بازاری مراجعه کرده و درخواست صدور چند فقره چک به نام مستکی‌عنه و تحویل آنها را برای صرف اعتبارسازی داشته است و شاکی نیز جهت مساعدت ایشان به درخواست مستکی‌عنه جواب مثبت داده و چند فقره چک را به این منظور و به عنوان امانت صادر نموده و به ایشان تسلیم کرده است. برابر توافق اولیه مقرر شده بود مستکی‌عنه کلیه چک‌های صادره شاکی را بعد از مدتی به شاکی عودت دهد، اما مستکی‌عنه به جرم خیانت در امانت مرتکب شده و چک‌های مذکور را به طلبکاران خود و سایر افراد واگذار و منتقل کرده است. مستکی‌عنه این ادعاهای شاکی را رد کرده و چک‌های تسلیمی شاکی به او را از بابت بدهی شاکی به ایشان معرفی کرده و مدعی شده است که چک‌های مذکور با صدور شاکی به ایشان تحویل گردیده و هیچ امانتی در کار نبوده است. هیچکدام از شاکی و مستکی‌عنه نتوانسته‌اند دلیل اثباتی بر ادعای خود ارائه نمایند. حال باید بررسی شود که قاضی پرونده چگونه وارد این شکایت و اقدام به صدور قرار، اعم از جلب دادرسی یا منع تعقیب صادر خواهد نمود و مستند او در این قرار قضایی با فقدان ادله اثباتی دعوا و شکایت باید چی باشد.

ب) یکی دیگر از مصادیق اختلاط مفهومی صدور چک و امانت چک، اخلاف بین صدور چک و با بقای لاشه چک در ید دارنده بعد از پرداخت وجه آن و خیانت در امانت چک است (قانون مجازات اسلامی، ماده ۶۷۴). چنین مسئله‌ای در صورتی تحقق خواهد داشت که شاکی با طرح شکایت، ادعای خیانت در امانت یک فقره چکی نماید که لاشه چک بعد از پرداخت وجه آن، نزد مستکی‌عنه به دلیل ادعای عدم دسترسی او به لاشه چک باقی مانده و دارنده لاشه چک تعهد به تحویل این لاشه چک در اسرع وقت کرده بود، اما بعد از مدتی معلوم گشته است که وی این فقره چک را به بانک محال علیه برده و گواهی عدم پرداخت به

که برابر پرونده دادسرا و بدون ارائه دلیل اثباتی طرفین، یکی از طرفین مدعی باشد: دوست خود را امین در حفظ و نگهداری دسته چک امضاشده قرار داده است و در عین حال، از او خواسته است که به نام کسی چند برگ چک امضاشده ایشان را پر و تکمیل کرده و تا زمان تحویل حفظ و نگهداری کند، اما طرف دیگر مدعی باشد چک از بابت بدهی به او صادر و تسلیم شده است. در این حالت، تشخیص اینکه آیا این عمل صدور چک است یا امانت چک دشوار می‌شود یا شرکتی مسئول حسابداری و رئیس امور مالی شرکت را امین حفظ و نگهداری چک‌های شرکت قرار می‌دهد و نیز از او می‌خواهد که در زمان خاص به عنوان نماینده شرکت چند فقره چک صادر و در اختیار ثالث قرار دهد. این عمل ممکن است هم به عنوان امانت چک و هم به عنوان صادرکننده چک تلقی شود.

اصل اولی در ادعای صدور چک و چک امانتی با فقدان دلیل اثباتی

اصل اولی در ادعای صدور چک و چک امانتی با فقدان دلیل اثباتی برای هریک از صدور چک یا چک امانتی، این است که چک صادر گردیده و در اختیار دارنده چک قرار داده شده است تا دارنده مبلغ آن را در سررسید با مراجعه به بانک محال علیه دریافت نماید و ادعای امانی بودن چک برخلاف اصل است. برابر این گفتار، اصل اولی در صدور چک، دلالت بر مدیونیت صادرکننده بر دارنده آن دارد.

بنابراین، مقصود ما از اصل اولی در صدور چک به معنای این است که صدور چک به معنای دستور پرداخت است. این دستور پرداخت با صدور چک انجام می‌گیرد و این دستور پرداخت غیر قابل فسخ است و صادرکننده حق دستور عدم پرداخت آن را به بانک محال علیه با تمسک به این بهانه که چک از طریق خیانت در امانت تحصیل شده است را ندارد؛ مگر اینکه دلیل اثباتی بتواند برای آن اقامه نماید.

نخستین دلیل ادعای مذکور تبصره ۱ (اصلاحی ۱۳۷۶/۱۰/۱۴) ماده ۱۴ قانون صدور چک است؛ زیرا تبصره مذکور مقرر داشته است: «ذینفع در مورد این ماده کسی است که چک به نام او صادر یا ظهرنویسی شده یا چک به او واگذار گردیده باشد یا چک در وجه حامل به او واگذار گردیده است».

دلیل دوم ادعای مذکور، قسمت اخیر ماده دو قانون صدور چک است که، دارنده چک را مطابق این اصل اولی اعم از کسی دانسته است که چک در وجه او صادر گردیده یا به نام او

دلیل کسر موجود دریافت کرده است، اما مشتکی عنه، ادعای شاکی را رد نماید و چک تسلیمی شاکی به او را از بابت بدهی شاکی به ایشان معرفی کند و هیچکدام نیز نتوانند دلیل اثباتی بر ادعای خود به قاضی ارائه نمایند.

ج) یکی از مصادیق اختلاط مفهومی بین صدور چک از بابت اخذ ربا و خیانت در امانت چک مذکور است (قانون مجازات اسلامی، ماده ۶۷۴). اگر شاکی پرونده چنین طرح شکایت کند که یک فقره چک از بابت پرداخت بدهی ربا به دارنده، صادر و تسلیم کرده است، اما مدعی باشد که نمی‌دانسته ربا یک جرم قانونی و حرام شرعی است و بعد از آگاهی به این امر درخواست استرداد چک را از دارنده کرده و اما دارنده چک، استنکاف نموده و چک را تصاحب کرده است و چون یکی از شرایط احراز خیانت در امانت، تصرف یا تصاحب مال امانی است لذا از دادگاه درخواست رسیدگی شایسته نماید، اما مشتکی عنه این ادعای شاکی را رد نماید و ادعای صدور چک از بابت بدهی شاکی کند و هیچکدام دلیل اثباتی برای ادعای خود نتوانند ارائه نمایند.

د) مورد دیگر اختلاط مفهومی صدور چک و خیانت در امانت در خصوص چک صادره از بابت حسن اجرای تعهدات صادرکننده و خیانت در امانت چک امانتی به واسطه دارنده چک است؛ به این شرح که شاکی به عنوان پیمانکار با طرح شکایت، بدون دلیل اثباتی مدعی شده است که یک فقره چک به مبلغ یک میلیارد تومان از بابت تضمین حسن اجرای تعهدات به کارفرما داده است، اما وی در یک خیانت در امانت، چک صادره مذکور را بدون وقوع تخلف تعهداتی به بانک محال علیه برده و گواهی کسر موجودی اخذ کرده است. شاکی از دادسرا درخواست رسیدگی و صدور رأی بر جرم خیانت در امانت چک کند، اما پیمانکار با رد ادعای شاکی، بدون دلیل اثباتی مدعی باشد که چک مذکور از بابت بدهی به نام او صادر شده است. **ه)** یکی از مصادیق اختلاط مفهومی برای قاضی پرونده بین صدور چک و خیانت در امانت در چک صادره از بابت بدهی شاکی است که مشتکی عنه با طرح شکایت متقابل ادعای ارتکاب دو جرم مستقل هم خیانت در امانت و هم جعل افزایش مبلغ چک به واسطه شاکی کند و هیچکدام بر ادعای خود دلیل اثباتی نداشته باشند و هر دو پرونده به شعبه بازپرسی جهت رسیدگی ارجاع شده باشد.

و) اختلاط مفهومی صدور چک از امانت چک در مواردی است که امین علاوه مسئولیت حفظ و نگهداری دسته چک امضاشده، وکیل صدور چک نیز باشد، تشخیص اینکه آیا این عمل ودیعه است یا صدور چک دشوار می‌شود؛ به این توضیح

پشت‌نویسی شده یا حامل چک (در چک در وجه حامل) یا قایم‌مقام قانونی آنان است.

دلیل سوم ادعای مذکور، تبصره ۳ (الحاقی ۱۳۷۶/۱۰/۱۴) ماده مذکور نسبت به چک‌های تضمین‌شده و مسافرتی است؛ چراکه در این تبصره مقرر شده است: «پرداخت چک‌های تضمین‌شده و مسافرتی را نمی‌توان متوقف نمود، مگر آنکه بانک صادرکننده نسبت به آن ادعای جعل نماید. در این مورد نیز حق دارنده چک راجع به شکایت به مراجع قضایی طبق مفاد قسمت اخیر ماده ۱۴ محفوظ خواهد بود».

دلیل چهارم ادعای مذکور این است که: اولاً، ذیل تبصره ۱ (اصلاحی ۱۳۷۶/۱۰/۱۴) ماده مذکور بیان داشته است: «در موردی که دستور عدم پرداخت مطابق این ماده صادر می‌شود بانک مکلف است وجه چک را تا تعیین تکلیف آن در مرجع رسیدگی یا انصراف دستوردهنده در حساب مسدودی نگهداری نماید» و ثانیاً، تبصره ۲ (الحاقی ۱۳۷۲/۰۸/۱۱) ماده ۱۴ قانون صدور چک اظهار نموده است: «دستوردهنده مکلف است پس از اعلام به بانک شکایت خود را به مراجع قضایی تسلیم و حداکثر ظرف مدت یک هفته گواهی تقدیم شکایت خود را به بانک تسلیم نماید. در غیر این صورت، پس از انقضا مدت مذکور بانک از محل موجودی به تقاضای دارنده چک وجه آن را پرداخت می‌کند». معنای تقدیم شکایت به مرجع رسیدگی این است که شاکی دلیل لازم و کافی بر ادعای خیانت در امانت مشتکی‌عنه داشته باشد؛ زیرا مرجع رسیدگی در صورت فقدان دلیل اثباتی برای ادعای مذکور، قرار منع تعقیب صادر خواهد نمود و بانک محال‌علیه در این صورت باید مبلغ چک را به دارنده چک تأدیه نماید.

دلیل پنجم ادعای مذکور، نظریه شماره ۳۶/۱۴۰۲/۷ مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۰۵ اداره کل حقوقی قوه قضاییه درباره دستور عدم پرداخت وجه چک توسط صادرکننده به بانک است؛ به این توضیح که این نظریه مشورتی استناد به خیانت در امانت را استثنای بر اصل صدور تلقی کرده و اظهار داشته است: «در فرض سؤال که صادرکننده چک، وفق ماده ۱۴ قانون صدور چک، دستور عدم پرداخت به بانک داده و بانک نیز به همین سبب گواهی عدم پرداخت صادر کرده است و متعاقباً صادرکننده شکایت موضوع تبصره ۲ این ماده را اقامه نکرده است، صدور اجراییه به تقاضای دارنده چک مطابق ماده ۲۳ قانون یادشده (اصلاحی ۱۳۹۷) امکان‌پذیر است؛ زیرا استثنا مقرر در بند ج ماده ۲۳ مذکور، با عنایت به تصریح به رعایت تبصره‌های ماده ۱۴ صدرالذکر، ناظر بر مواردی است که صادرکننده شکایت خود را در موعد مقرر در

تبصره ۲ ماده ۱۴ این قانون تقدیم و گواهی آن را به بانک تسلیم کرده باشد و فرض سؤال که صادرکننده در مهلت قانونی طرح شکایت نکرده است، از بند ج ماده ۲۳ یادشده منصرف است».

دلیل ششم، اصل در صدور چک است و خیانت در امانت یک ادعای استثنای بر اصل مذکور است. اصل مذکور به معنای غلبه استعمال است؛ به این معنی که اصل در تردید میان صدور چک و خیانت در امانت چک، بر صدور چک است؛ مگر اینکه دلیل اثباتی خلاف این اصل را اثبات نماید. این اصل به معنای غلبه استعمال در صدور چک نسبت به خیانت در امانت چک است؛ به این معنی که غالب موارد دارنده چک ذیحق مطالبه وجه مندرج در چک از بانک محال‌علیه است و ادعای تحصیل چک از طریق خیانت در امانت برخلاف این اصل است.

بنابراین، ادعای تحصیل چک حامل از طریق سرقت یا از طریق کلاهبرداری یا از طریق خیانت در امانت که در ماده ۱۴ قانون صدور چک پیش‌بینی شده است، برخلاف اصل اولی در صدور چک تلقی می‌گردد و چنین ادعاهای برخلاف اصل باید در محکمه توسط مدعی آن، اثبات شود. این است که همان ماده تصریح نموده است: «هرگاه خلاف ادعایی که موجب عدم پرداخت شده ثابت گردد دستوردهنده علاوه بر مجازات مقرر در ماده ۷ این قانون به پرداخت کلیه خسارات وارده به دارنده چک محکوم خواهد شد».

این تحلیل حقوقی اثبات می‌کند که صدر ماده ۱۴ قانون صدور چک برخلاف اصل اولی در صدور چک است و جنبه استثنای بر این اصل اولی در چک دارد و باید آن را اصل ثانوی و استثنایی فرض نمود (حسن ستوده تهرانی، ۱۳۷۴: ۱۳۲). این است که تبصره ۳ این ماده به صورت ضمنی شکایت شخصی که چک به نام وی امضا شده، اما سرقت شده یا مجعول گردیده باشد را پذیرفته است (همان) و دستور موقت بر منع پرداخت وجه چک با استفاده از مقررات مربوط به دادرسی فوری و مواد مرتبط قانون آیین دادرسی مدنی به تقاضای خواهان و ضرورت آن از جانب دادگاه بلااشکال می‌باشد (نظریه شماره ۰۹۸۱/۷ مورخ ۱۳۷۷/۰۸/۱۹ اداره حقوقی قوه قضاییه)، اما اگر متعاقباً صادرکننده، شکایت موضوع تبصره ۲ این ماده را اقامه نکرده باشد، صدور اجراییه را به تقاضای دارنده چک مطابق ماده ۲۳ قانون یادشده (اصلاحی ۱۳۹۷) امکان‌پذیر دانسته است.

دلیل هفتم ادعای مذکور در نظریه شماره ۶۶۳۰/۷ مورخ ۱۳۶۶/۱۲/۱۰ اداره حقوقی قوه قضاییه است؛ به این توضیح که نظریه یادشده در خصوص این سوال که آیا بانک محال‌علیه در

طرفین قرارداد مدعی است، عمل آنان، ودیعه چک بوده است، اما دیگری مدعی است که عمل آنان، صدور چک از بابت بدهی صادرکننده به دارنده بوده است.

این مسئله اختصاص به اختلاط مفهومی بین ودیعه چک و صدور چک ندارد، بلکه اگر در عقود دیگر بین دو عقد اختلاط مفهومی هم ممکن پیش آید. برای مثال در اختلاط مفهومی بین وکالت و بیع مطرح است؛ به این بیان که یکی از طرفین دعوا مدعی باشد او موکل است و به وکیل در مقام بیع، وکالت داده است تا مبیع مشخص را برای او بخرد و مبیع متعلق به موکل است و طرف دیگر مدعی باشد همان مبیع را برای خودش خریده است و مبیع متعلق به خود اوست، اما هیچکدام از آنان نتواند دلیل اثباتی بر ادعای خود ارائه نمایند. اگر قاضی پرونده این نهاد حقوق مورد نزاع بین طرفین را به وکالت در مقام بیع توصیف کند، مبیع متعلق به موکل خواهد شد و شکایت را وارد و قرار جلب به دادرسی صادر خواهد نمود، اما اگر این نهاد مورد اختلاف را به بیع توصیف نماید، مبیع متعلق به خود شخص (وکیل) در فرض مذکور خواهد شد و در این صورت، قرار منع تعقیب صادر خواهد کرد.

هچنین در مسئله تحقیق اگر قاضی پرونده، نهاد مورد اختلاف بین طرفین را به صدور چک توصیف کند، شکایت خیانت در امانت را رد و قرار منع تعقیب صادر خواهد کرد، اما اگر نهاد مورد اختلافی مذکور را به ودیعه چک توصیف کند، شکایت خیانت در امانت را وارد دانسته و قرار جلب به دادرسی امین را با استناد به وقوع خیانت در امانت صادر خواهد نمود.

بنابراین، توصیف به معنای تطبیق یک قرارداد مورد اختلاف بین طرفین عقد و دعوا به یکی از نهادهای حقوقی به شرح مذکور است و در مقابل نهاد تفسیر قرارداد قرار دارد (2016: 222; Bénabent, 1989: 250; Marty et al).

تفسیر قرارداد برای احراز قصد مشترک طرفین قرارداد در موارد بروز ابهام و اجمال قصد مشترک طرفین قرارداد است. مبنای چنین تفسیری آن است که قرارداد باید مطابق توافق طرفین تفسیر و اجرا گردد و دست قاضی پرونده از این جهت بسته است.

بنابراین، هرچند گفته شده است: «دادرس پرونده اختیار مطلق در تفسیر قرارداد برای کشف قصد مشترک طرفین قرارداد دارد» (ریاحی، ۱۴۰۲: ۸۰۸)، اما چون هدف قاضی از تفسیر، کشف قصد مشترک طرفین قرارداد است لذا او نمی‌تواند قرارداد را برخلاف قصد مشترک آنان تفسیر و اجرا نماید.

معنای گفتار مذکور این است که قرارداد زاییده تراضی و توافق مشترک طرفین قرارداد است و این مطلب یکی از اصول اساسی تفسیر قراردادها می‌باشد و معروف به اصل غیرقابل نقض

صورت داشتن موجودی مربوط به متوفی مکلف به پرداخت به دارنده می‌باشد یا خیر؟ نظر داده است که در صورت داشتن موجودی بانک محال‌علیه مکلف به پرداخت وجه چک به دارنده می‌باشد، مگر آنکه دستور عدم پرداخت آن از جانب مقامات قضایی صادر شده باشد. این مطلب نیز به معنای اصل اولی در صدور چک است نه امانت چک؛ یعنی ادعای امانی بودن چک در فقدان دلیل اثباتی بر خلاف اصل مذکور بوده و غیرقابل قبول است.

نظریه تحقیق در تشخیص ودیعه چک از صدور چک

نظریه تحقیق در تفکیک و تشخیص مفهوم نهاد صدور چک از نهاد خیانت در امانت چک، تمسک به تفسیر و توصیف است؛ یعنی قاضی باید از راه حل تفسیر و توصیف در موارد مذکور مساعدت بگیرد و مشکل اختلاط مفهومی بین ودیعه چک را از صدور چک تشخیص و تفکیک دهد.

مطابق نظریه تحقیق قاضی باید تلاش خود را در دو مرحله جداگانه انجام دهد. ابتدا باید به روش تفسیر قرارداد توجه داشته باشد و مشکل اختلاط مفهومی را با این روش حل و فصل نماید و در صورت عدم توفیق حل مسئله با تفسیر و بقای مشکل در اختلاط مفهومی بین دو نهاد ودیعه و صدور به روش توصیف توجه کند و مشکل مذکور را با این روش حل و فصل نماید. این روش نوعی عمل کردن به دستور اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده سوم آیین دادرسی مدنی نیز هست.

تفکیک و تشخیص ودیعه چک از صدور چک با روش توصیف در انحصاری قاضی دادگاه است، اما این کار با روش تفسیر در اختیار هر کارشناس، اعم از حقوقدانان، قاضی و وکیل دادگستری قرار دارد؛ چراکه روش توصیف معطوف بر تطبیق قرارداد مشکوک بر یکی از دو نهاد حقوقی مختلط است و این تنها در انحصار قاضی است، اما روش تفسیر معطوف بر کشف قصد مشترک طرفین قرارداد است و این مسئله در اختیار هر کارشناسی و از جمله قاضی است. بنابراین، قاضی باید ابتدا روش عمومی یا تفسیر را در موارد اختلاط مفهومی دو نهاد مذکور به کار گیرد و اگر مشکل حل نشد، به سراغ توصیف در مرحله بعدی برود.

عمل توصیف ناظر بر چند قرارداد مختلفی است که مورد اختلاف مفهومی بین طرفین قرار گرفته است و هیچکدام از آنان، دلیل اثباتی بر ادعای خود نتوانسته اقامه کند. قاضی پرونده در این گونه موارد اختلاط مفهومی بین دو نهاد، اقدام به توصیف این قرارداد می‌کند (2016: 250; Marty et al); یعنی ماهیت حقوقی عقد تشکیل یافته را با یکی از عقود و قراردادهای حقوقی تطبیق می‌دهد (2016: 220; Bénabent). برای مثال احدی از

یکی از دلایل عمل توصیف قاضی، وصف تجریدی بودن اسناد تجاری و از جمله چک است؛ به این توضیح که هر چند قانونگذار (در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ با اصلاحات بعدی آن؛ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵/۰۴/۱۶ با اصلاحات و الحاقات سال ۱۳۹۷ و بعدی آن و نیز دیگر قوانین و مقررات حاکم) به وصف تجریدی اسناد تجاری و از جمله چک و آثار آن تصریح نکرده است، اما این وصف اسناد تجاری از روح کلی حاکم بر برخی مواد قانونی به شرح ذیل قابل استنباط است و نظریه شماره ۹۳۷/۱۴۰۰/۷ مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۱۰ اداره کل حقوقی قوه قضاییه بر این استنباط صحه گذاشته است: اولاً، حکم مقرر در مواد ۲۵۳ و ۲۵۷ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ که به ترتیب توافقات مقرر بین دارنده و صادرکننده یا انتقال دهنده برات در خصوص پرداخت پولی غیر از آن نوع که در برات تعیین شده است را به دیگر مسئولان پرداخت وجه قابل تسری ندانسته است و یا توافق میان دارنده برات و برات گیر بر افزایش مهلت پرداخت را در مقابل دیگر مسئولان برات مسموع ندانسته است و ثانیاً، از ماده ۱۴ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی آن، وصف تجریدی اسناد تجاری مستفاد است (نظریه شماره ۹۳۷/۱۴۰۰/۷ مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۱۰ اداره کل حقوقی قوه قضاییه درباره تجریدی بودن اسناد تجاری و الزامات تفویض اختیار هیئت مدیره شرکت به مدیرعامل).

کاربرد قضایی نظریه تحقیق در تشخیص ودیعه چک

از صدور چک

یکی از کاربرد قضایی نظریه تحقیق در تشخیص و تفکیک ودیعه چک از صدور چک، در مورد شکایت از جرم خیانت در امانت نسبت به عدم استرداد چکی است که وجه آن پرداخت شده، اما دارنده لاشه چک را به بانک محال علیه برده و گواهی کسر موجودی اخذ کرده است. بر این اساس، شخصی به عنوان خیانت در امانت طرح شکایت نموده و در برگ شکایت توضیح داده است: یک فقره چک بابت مطالبات مشتکی عنه به صورت مدت دار در وجه وی صادر نموده و به ایشان تحویل دادم. قبل از تاریخ سررسید چک به جهت درخواست دارنده مبلغ چک را نقداً به ایشان پرداخت نمودم و به جهت در دسترس نبودن چک، قرار بر این شد که وی لاشه چک را در اولین فرصت به اینجانب مسترد نمایند؛ ولیکن در تاریخ سررسید چک متوجه شدم که ایشان چک را به بانک محال علیه ارائه و گواهی عدم پرداخت گرفته است. اگر دلیل اثباتی بر امذکور به واسطه مدعی آن ثبات گردد، رأی به خیانت در امانت صادر

است (همان) و کسی و از جمله دادرسی پرونده نمی تواند این اصل تفسیری را نادیده بگیرد و معنای بیطرفی قاضی در تفسیر نیز همین است (et Larribau-Terneyre, 2017: 1032; Buffelan-Lanore).

البته حقوق ما در تفسیر قرارداد با حقوق بعضی از سیستم های حقوقی و کشورها فرق دارد. برای مثال، تفسیر قرارداد در حقوق انگلیس، مسئله قانونی تلقی می شود؛ زیرا تفسیر قرارداد در حقوق انگلیس به دنبال کشف قصد طرفین عقد نیست که در حقوق اسلام و ایران چنین است و حتی در نظام حقوق فرانسه نیز تفسیر قرار بر اساس قصد طرفین قرارداد است (حقوق مدنی فرانسه: ماده ۱۱۳۴ و ۱۱۵۶)، اما حقوق انگلیس (به جای کشف قصد مشترک طرفین عقد) به دنبال احراز ضابطه شخص متعارف و معقول از رفتار و الفاظ و عبارات و نیز شرایط و اوضاع و احوال طرفین و نیز خود قرارداد است (et al, 2005: 384; Malaurie)؛ به این توضیح که اگر مقصود دادرسی از تفسیر قرارداد روشن کردن اراده مشترک طرفین باشد، تفسیر جنبه ماهوی دارد، اما اگر قاضی از تفسیر قرارداد به دنبال انطباق حکم قانون بر قرارداد و عمل حقوقی باشد، تفسیر جنبه قانونی خواهد داشت (ریاحی، ۱۴۰۲: ۸۰۹).

هر چند نقطه اشتراک نهادهای تفسیر و توصیف در این است که هر دو ابزارهایی هستند که برای فهم و اجرای صحیح قراردادها و قوانین به کار می روند. با این وصف، این دو نهاد تفاوت های اساسی با یکدیگر دارند؛ به این توضیح که:

توصیف به معنای تطبیق مفهوم و مصداق یا یکی از نهادهای حقوقی با نهاد دیگری حقوقی و یا مفاد قانونی است. برای مثال، توصیف یک قرارداد شامل تطبیق مفاد آن با نهادهای حقوقی موجود و قوانین مدنی است تا مشخص شود آیا قرارداد مطابق با یکی از نهادهای حقوقی و نیز قانون است یا خیر. در حقوق ایران نیز در یک قرارداد خرید و فروش، توصیف قرارداد شامل تطبیق مفاد آن با یکی از نهادهای حقوقی و یا تطبیق آن با قوانین مدنی ایران است، اما تفسیر به دنبال کشف قصد مشترک و اراده طرفین قرارداد یا قانونگذار از الفاظ قرارداد و مواد قانونی است. برای مثال در حقوق فرانسه، تفسیر قرارداد بر اساس ماده ۱۱۳۴ و ۱۱۵۶ قانون مدنی فرانسه، با توجه به قصد مشترک طرفین انجام می شود. در یک قرارداد اجاره، تفسیر قرارداد بر اساس ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه و با توجه به قصد مشترک طرفین صورت می گیرد. در حقوق ایران نیز در یک قرارداد خرید و فروش، تفسیر قرارداد با توجه به قصد مشترک طرفین و مفاد قانونی انجام می شود.

برای مشتکی‌عنه صادر شده است؛ ولیکن مشتکی‌عنه دفاع کرده است که چک از بابت بدهی شاکی به او صادر و در اختیار او سپرده شده است. چون هیچکدام دلیل اثباتی بر ادعای خود نداشته‌اند لذا قاضی با توصیف عمل آنان به صدور چک، ادعای خیانت در امانت چک را رد نموده و قرار منع تعقیب به مشتکی‌عنه صادر کرده است (دادنامه شماره ۵۰۱۸۱۴ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۰۶ شعبه ۱۱۵ دادگاه کیفری ۲ شهرستان قم)، اما دادنامه شماره ۶۰۱۱۱۴ مورخ ۱۳۹۵/۰۸/۰۵ شعبه هشتم تجدیدنظر استان قم در پی تجدیدنظرخواهی شاکی با توصیف عمل مشتکی‌عنه به خیانت در امانت، او را با این استدلال که چک مذکور بابت تضمین چک‌های دیگر بوده و تجدیدنظرخوانده حق نداشته آن را بابت بدهکاری خودش (طلبکاری صحیح است) یا تضمین چک‌های خود به اشخاص دیگری، واگذار نماید، لذا ضمن احراز بزهکاری و ذکر مستندات قانونی و نقض رأی براءت، نامبرده را به تحمل دو سال حبس تعزیری محکوم نموده است (دادنامه شماره ۶۰۱۱۱۴ مورخ ۱۳۹۵/۰۸/۰۵ شعبه هشتم تجدیدنظر استان قم).

لکن مشتکی‌عنه از دیوان عالی کشور درخواست اعاده دادرسی نموده و شعبه ۳۶ دیوان عالی کشور با توصیف عمل شاکی به صدور چک، مشتکی‌عنه را مستحق مفاد دادنامه شماره ۶۰۱۱۱۴ مورخ ۱۳۹۵/۰۸/۰۵ شعبه هشتم تجدیدنظر استان قم ندانسته و پرونده را به شعبه همعرض جهت رسیدگی مجدد ارسال کرده است؛ به این استدلال که در متن دادنامه مورد اعاده دادرسی صادره از شعبه دادگاه تجدیدنظر استان قم بر تضمینی بودن چک صادره متنازع‌فیه تأکید شده و با کیفیت موصوف، از دایره شمول امانی بودن آن خارج است؛ زیرا با صدور چک تضمینی، صادرکننده آن در شرایطی و به منظور تحقق تعهد خویش، اجازه دخل و تصرف آن را به ذینفع داده و اقدام محکوم‌علیه با این توجیه و استدلال، حداقل به لحاظ عدم احراز سوء نیت و محقق نبودن رکن معنوی بزه، فاقد وصف کیفری است (رأی شماره ۳۰۲۰۸۷ مورخ ۱۳۹۵/۰۶/۲۹ شعبه ۳۸ دیوان عالی کشور. رئیس و مستشار: سیدعلی اصغر لطیفی رستمی - سیدمصطفی قائم مقامی)

همچنین شعبه ۱۰۴۹ دادگاه عمومی جزایی تهران مطابق دادنامه شماره ۴۰۰۴۶۰ مورخ ۱۳۹۲/۰۵/۲۱ خود مشتکی‌عنه را با توصیف عمل صدور چک تضمینی، از جرم خیانت در امانت چک تضمینی تبرئه کرده است. این دادنامه نیز بر اساس توصیف صدور چک انجام گرفته است (دادنامه شماره ۴۰۰۴۶۰ مورخ ۱۳۹۲/۰۵/۲۱ شعبه ۱۰۴۹ عمومی جزایی تهران)، اما شاکی پرونده نسبت به رأی مذکور اعتراض و از آن تجدیدنظرخواهی نموده است و شعبه ۲۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران برابر دادنامه شماره ۷۰۰۵۵۲ مورخ

خواهد شد (صورتجلسه نشست قضایی مورخ ۱۳۹۸/۰۲/۱۰ شهر بندعباس استان هرمزگان؛ نظریه مشورتی شماره ۳۱۵۶/۹۴/۷ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۲ اداره کل حقوقی قوه قضاییه)، اما اگر هیچکدام دلیل اثباتی بر ادعای خود نداشته‌اند، قاضی با توصیف عمل آنان به صدور چک، ادعای خیانت در امانت چک را رد نموده و رأی بر براءت مشتکی‌عنه از جرم خیانت در امانت صادر خواهد گردید (دادنامه شماره ۵۰۱۸۱۴ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۰۶ شعبه ۱۱۵ دادگاه کیفری ۲ شهرستان قم).

یکی از کاربردهای رایج قضایی نظریه تحقیق در اسناد تجاری و از جمله چک در انواع ضمانت است. چک ضمانتی به معنای تضمین معاملات، قراردادهای و تعهدات، صادر و به طرف مقابل سپرده می‌شود. برای مثال شخصی برای استخدام در یک واحد تجاری، یا تضمین حسن انجام کار و تعهدات کاری یا قراردادی، چکی را به عنوان ضمانت حسن انجام کار و تعهدات کاری یا قراردادی به صاحب تجارتخانه، شرکت تجاری یا مدنی یا کارفرما و پیمانکار یا طرف قرارداد می‌دهد. او این چک را به طرف مقابل می‌دهد تا در صورتی که تعهدات خود را به درستی انجام ندهد، مخاطب زیان‌دیدن بتواند با نقد کردن این چک در بانک محل‌علیه، یا واگذاری آن به اشخاص ثالث با پشت‌نویسی، خسارات وارده را دریافت نماید.

اگر در چک به شرح مذکور بین صادرکننده و دارنده نزاع حاصل گردد و صادرکننده طرح شکایت خیانت در چک تضمینی امانتی کند و مدعی باشد که تعهدات خویش را کامل و به درستی انجام دهد، اما دارنده چک یا مشتکی‌عنه، بدون توجه به این موضوع، چک ضمانتی امانتی مذکور را در یک خیانت در امانت تصاحب نموده و با تحویل به بانک محل‌علیه، گواهی کسر موجودی اخذ کرده است، اما مشتکی‌عنه دفاع کند که چک از بابت بدهی صادر شده است. اگر قاضی پرونده، صحت اظهارات صادرکننده چک را به شرح فوق احراز کند، امین را به جرم خیانت در امانت چک، محکوم خواهد نمود اما اگر شاکی نتواند اظهارات مذکور را با ادله اثبات دعوا نزد قاضی پرونده اثبات کند و مفهوم صدور چک با خیانت در امانت چک تضمینی برای قاضی اختلاط پیدا کند، قاضی با اقدام به توصیف صدور چک صادرکننده خواهد کرد و شکایت خیانت در امانت چک او را رد خواهد نمود و قرار منع تعقیب برای دارنده چک صادر خواهد کرد.

دادنامه شماره ۵۰۱۸۱۴ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۰۶ شعبه ۱۱۵ دادگاه کیفری ۲ شهرستان قم بر اساس توصیف عمل صدور چک در مقابل ادعای خیانت در امانت چک صادر شده است. در این پرونده شاکی مدعی بوده است که چک صادره او برای تضمین

۱۳۹۳/۰۴/۲۵ با توصیف عمل مشتکی عنه به خیانت در امانت چک تضمینی، وقوع بزه انتسابی را محرز تشخیص و رأی بر محکومیت مشتکی عنه به تحمل شش ماه حبس صادر و اعلام نموده است» (دادنامه شماره ۴۰۰۴۶۰ مورخ ۱۳۹۲/۰۵/۲۱ شعبه ۱۰۴۹ دادگاه عمومی جزایی تهران)، اما مشتکی عنه با تقدیم لایحه‌ای خطاب به ریاست محترم دیوان عالی کشور درخواست اعاده دادرسی کرده است. بدین خلاصه و مضمون که مدارک به دست آمده حکایت از وجود روابط تجاری گسترده بین محکوم علیه و شاکی دارد و دادگاه تجدیدنظر شعبه ۲۷ استان تهران به آن توجه نکرده و سند اقاله مورخ ۲۶/۰۵/۱۳۸۸ تناقضات حاصل بین طرفین نشانگر ادامه روابط تجاری آنها و تحقق آخرین اراده طرفین در خصوص انتقال چک موضوع حکم بوده، در این راستا دو تن از شهود عینی موضوع انتقال چک شماره؟ عهده بانک؟ طی استشهادیه رسمی مراتب اجازه آقای شاکی در انتقال یک فقره چک موصوف را شهادت داده‌اند که تحصیل استشهادیه مذکور را دلیل جدید تلقی و بر اساس آن تقاضای تجویز اعاده دادرسی نموده است».

شعبه ۳۵ دیوان عالی کشور در دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۲۵۰۰۲۱۹۷ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۵ خود دادنامه شماره ۵۵۲-۲۵/۰۴/۱۳۹۳ صادره از شعبه ۲۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران را با توصیف عمل شاکی به صدور چک تضمینی نقض کرده است؛ به این استدلال که شاکی پرونده قید و در خاتمه آن امانی بودن چک به صورت مشروط مبنی بر اعاده آن پس از تحویل گرفتن دستگاه موضوع قرارداد ذکر شده است که با توجه به اختلافات حادث در مورد تحویل دستگاه مزبور به شرح مندرج در پرونده محاکماتی و ادامه آن تضمینی بودن چک وجه غالب آن بوده است که به همین جهت دادگاه بدوی موضوع را فاقد وصف کیفری دانسته است، لذا با توجه به ملاک رأی وحدت رویه شماره ۲۵/۵۸-۰۱/۰۲/۱۳۵۹ هیئت عمومی دیوان عالی کشور به لحاظ حقوقی بودن موضوع، محکومیت کیفری وی متناسب نبوده و درخواست با بند ۶ ماده ۲۷۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری منطبق است و ضمن تجویز اعاده دادرسی مستنداً به ماده ۲۷۴ همین قانون رسیدگی مجدد به یکی از شعب همعرض دادگاه صادرکننده رأی مورد درخواست اعاده دادرسی در استان تهران ارجاع می‌گردد (دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۲۵۰۰۲۱۹۷ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۵ شعبه ۳۵ دیوان عالی کشور).

کاربرد قضایی دیگر نظریه تحقیق در تشخیص ودیعه چک از صدور چک در چک ضمانتی سفید امضا است؛ به این توضیح که شاکی مدعی باشد، مشتکی عنه، چک صادر را از بابت بدهی به او

تسلیم کرده است، اما مشتکی عنه مدعی باشد صدور و تحویل آن به شاکی از بابت تضمین معاملات، قراردادهای و تعهدات نظیر ضمانت حسن انجام کار و تعهدات کاری به صاحب تجارتخانه، شرکت تجاری یا مدنی، کارفرما، پیمانکار یا تضمین تخلیه در سررسید موعد اجاره بوده است و مدعی باشد تعهدات به درستی انجام شده است، اما شاکی خیانت در امانت چک سفید امضا کرده و با نوشتن مبلغ دلخواه آن را به بانک محال علیه تحویل داده و گواهی کسر موجودی اخذ کرده است. اگر صادرکننده چک با ادله اثبات دعوا (شهادت شهود، تنظیم استشهادیه، ارائه متن قرارداد یا تعهدنامه، ضمانتی بودن یا سفید امضا بودن چک) ثابت کند که چک صادره سفید امضا بوده است، برابر ماده ۱۳ قانون صدور چک، چک سفید امضا یا بدون تاریخ یا چک تضمینی، قابل تعقیب کیفری نیست و قاضی نسبت به جنبه خصوصی این جرم، دست به توصیف خواهد زد و رأی به صدور چک مذکور از بابت ضمانت و تضمین حسن انجام خواهد داد. در این صورت، اگر دارنده چک مذکور آن را در بانک محال علیه نقد کند و یا گواهی کسر موجودی اخذ نماید، قاضی عمل او را به جرم خیانت در امانت توصیف خواهد کرد و قرار جلب به دادرسی صادر خواهد نمود و برابر ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی، خیانت در امانت به حداقل ۳ ماه و حداکثر ۱۸ ماه حبس تعزیری محکوم می‌شود و چنانچه از چک سفید سوء استفاده کند، برابر ماده ۶۷۳ قانون مجازات اسلامی به مجازات حبس از ۶ ماه تا ۱۸ ماه از بابت خیانت در امانت محکوم خواهد شد.

یکی از موارد کاربرد قضایی نظریه تحقیق در تشخیص ودیعه چک از صدور چک، در مورد شکایتی است که شخصی چک تضمینی را برای دیگری جهت اخذ پول ربوی تحویل دهد، اما تحویل گیرنده چک مأخوذه تضمینی را به شخص ثالثی واگذار نماید، سؤال در خصوص این پرونده آن است که آیا این شکایت شمول عنوان اتهامی خیانت در امانت خواهد بود یا عنوان آن صدور چک است؟

منشأ این سؤال آن است که یکی از شرایط احراز جرم خیانت در امانت، تصاحب مال غیر یا تصرف در مال امانی است. سؤال در این خصوص آن است که آیا نامشروع بودن ودیعه چک در جرم ارتكابی تأثیر دارد. برای مثال آیا اخذ چک جهت تضمین پرداخت پول ربوی، مشروط بر اینکه در سررسید، متصرف حق انتقال به غیر و مراجعه به بانک محال علیه جهت وصول مفاد چک را داشته باشد، موجب زوال وصف امانی بودن چک خواهد بود؟

پاسخ سؤال مذکور برابر ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ چنین است که این ماده از واژه

عمومی جزایی تهران نیز تأکید بر اساس توصیف سه فقره چک تضمینی به صدور چک است و ادعای خیانت در امانت چک امانی شاکی نسبت به اقدام به وصول دارنده چک مردود اعلام گردیده و قرار منع تعقیب به مشتکی‌عین صادر شده است (دادنامه ۶۰۷۱۹-۹۱/۷/۹ شعبه ۱۱۰۳ دادگاه عمومی جزایی تهران - رضانی).

شعبه ۴۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران دادنامه مذکور را در شماره دادنامه قطعی ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۴۱۰۱۲۸۲ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۰۹ تأیید کرده و استدلال به توصیف چک تضمینی به صدور چک نموده و ادعای خیانت در امانت چک امانی شاکی تجدیدنظرخواه را مردود اعلام کرده است (دادنامه قطعی ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۴۱۰۱۲۸۲ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۰۹ صادره از شعبه ۴۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران).

بحث و نتیجه‌گیری

این تحقیق اثبات کرد که دو نهاد حقوقی «ودیعۀ چک» و «صدور چک» تنها در موارد فقدان دلیل اثباتی مواجه با اختلاط مفهومی می‌شوند و قاضی پرونده در تشخیص و تفکیک آن دو نهاد از یکدیگر مواجه با مشکل می‌گردد. مثال چنین اختلاط مفهومی بین دو نهاد مذکور، در صورتی تحقق می‌یابد که شاکی مدعی خیانت در چک امانتی باشد و مشتکی‌عنه مدعی صدور چک از بابت بدهی شاکی گردد، اما هیچکدام نتوانند برای اثبات ادعای خود دلیل اثباتی ارائه نمایند.

همچنین تحقیق اثبات نمود که تنها راه حل انحصاری قاضی در تشخیص و تفکیک ودیعۀ چک از صدور چک با فقدان دلیل اثباتی برای ادعای یکی از طرفین، استفاده از دو روش، به ترتیب، تفسیر و توصیف است. با این تفاوت که تفکیک و تشخیص ودیعۀ چک از صدور چک با روش توصیف در انحصاری قاضی دادگاه است، اما این کار با روش تفسیر در اختیار هر کارشناس، اعم از حقوقدانان، قاضی و وکیل دادگستری قرار دارد.

پیشنهاد تحقیق، این است که قاضی باید ابتدا روش عمومی تفسیر را در موارد اختلاط مفهومی دو نهاد مذکور به کار گیرد و اگر مشکل حل نشد، به سراغ توصیف در مرحله بعدی برود.

سپردن چک برای تحقق جرم خیانت در امانت استفاده نکرده است، بلکه از فعل مجهول «داده شده» استفاد کرده است که سپردن فرد اجلائی آن است. در نتیجه، آنچه مدنظر قانونگذار بوده است، وجود رابطه امانی به هر طریق، اعم از قراردادی یا قانونی یا عرفی است و هر زمان که به تشخیص مرجع قضایی رابطه امانی (قانونی، قراردادی یا عرفی) بین طرفین احراز شود، با تحقق دیگر شرایط قانونی، جرم خیانت در امانت تحقق می‌یابد.

نظریه شماره ۱۰۹۷/۱۴۰۱/۷ مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۰۲ اداره کل حقوقی قوه قضاییه نیز این پاسخ را در خصوص سؤال مذکور ارائه داده و مقرر کرده است: «در مواردی که چک امانی نظیر اموال مسروقه، اموال ناشی از پولشویی، کلاهبرداری، ربا و مانند آن از جرم تحصیل شود و از سوی مرتکب جرم به امانت نزد غیر سپرده شده باشد؛ چنانچه امین از استرداد این اموال خودداری کند و تصاحب وی محرز شود و یا آنها را تلف و یا استعمال کند، با توجه به مالکیت شرعی و عرفی اموال و صرف نظر از اینکه تصرف متصرف در اینگونه اموال قانونی و مشروع نیست، جرم خیانت در امانت محقق است» (نظریه شماره ۱۰۹۷/۱۴۰۱/۷ مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۰۲ اداره کل حقوقی قوه قضاییه).

نظریه مشورتی شماره ۳۱۵۶/۹۴/۷ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۲ اداره کل حقوقی قوه قضاییه استنباط اخیر را نیز تأیید می‌کند؛ زیرا در این نظریه تصریح شده است: «تشخیص مصداق [هر یک از صدور چک یا رابطه امانی چک و خیانت در امانت در آن] حسب مورد برعهده مرجع قضایی رسیدگی‌کننده است» (نظریه مشورتی شماره ۳۱۵۶/۹۴/۷ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۲ اداره کل حقوقی قوه قضاییه).

بنابراین، اگر شرایط رابطه امانی چک به هر دلیلی برای قاضی احراز نگردد، او باید از تفسیر رابطه امانی چک عبور کند و دست به عمل توصیف بزند و عمل توصیف در وجود ابهام و اجمال چک مذکور، صدور چک است نه امانی بودن آن نزد دارنده چک. بر اساس این توصیف به صدور چک، رأی قاضی اعلام برائت (قرار منع تعقیب) مشتکی‌عنه از جرم خیانت در امانت خواهد بود؛ مگر اینکه رابطه امانی بودن چک بنابر هر دلیلی اثبات گردد.

رأی بدوی دادنامه ۶۰۷۱۹-۹۱/۷/۹ شعبه ۱۱۰۳ دادگاه

References

Advisory Opinion No. 7/94/3156 (2016, February 1). General Legal Department of the Judiciary of Iran (in Persian).
Advisory Opinion No. 7/94/3156 (2016, February 1). General Legal Department of the Judiciary of Iran (in Persian).

Appellate Judgment No. 552 (2014, July 16). Branch 27, Court of Appeal of Tehran Province (in Persian).
Appellate Judgment No. 601114 (2016, October 26). Branch 8, Court of Appeal of Qom Province (in Persian).

- Bénabent, A. (2016). *Law of Obligations* (15th ed.). Paris: LGDJ (in French).
- Bénabent, Alain (2016). *Droit Des Obligations*. 15^eedition, paris: LGDJ.
- Buffelan-Lanore, Y; Larribau-Terneyre, V. (2017). *Civil Law: Obligations* (15th ed.). Paris: Sirey (in French).
- Buffelan-Lanore, Yvaine; Larribau-Terneyre, Virginie (2017). *Droit Civil les obligations*. 15^eedition, paris: Edition sirey.
- Constitution of the Islamic Republic of Iran (in Persian).
- Criminal Judgment No. 400460 (2013, August 12). Branch 1049, General Criminal Court of Tehran (in Persian).
- Criminal Judgment No. 501814 (2016, February 25). Branch 115, Criminal Court II of Qom (in Persian).
- French Civil Code (in French).
- Iranian Civil Code (1928) (in Persian).
- Iranian Code of Criminal Procedure (2013, as amended) (in Persian).
- Iranian Commercial Code (1932) (in Persian).
- Islamic Penal Code of Iran (2013, as amended) (in Persian).
- Judicial Meeting Minutes (2019, April 30). Bandar Abbas, Hormozgan Province (in Persian).
- Law on Issuance of Checks (1993, with subsequent amendments) (in Persian).
- Legal Advisory Opinion No. 7/0981 (1998, November 10). Legal Department of the Judiciary of Iran (in Persian).
- Legal Advisory Opinion No. 7/1400/937 (2021, November 30). General Legal Department of the Judiciary of Iran (in Persian).
- Legal Advisory Opinion No. 7/1401/1097 (2023, May 23). General Legal Department of the Judiciary of Iran (in Persian).
- Legal Advisory Opinion No. 7/6630 (1988, March 1). Legal Department of the Judiciary of Iran (in Persian).
- Mansouri, M.; Al-Sharif, M.; Tabatabaei, Seyed M. (2022). "Characterization of Contracts in Mixed Agreements in Iranian Law, Imamiyya Jurisprudence, and French Law". *Comparative Law Journal*, 13(1), pp.43–61 (in Persian).
- Marty, G.; Raynaud, P.; Jestaz, P. (1988). *Civil Law: Obligations* (2nd ed.). Paris: Sirey (in French).
- Marty, Gabriel; Raynaud, Pierre; Jestaz, Philippe (1988). *Droit civil Les Obligations*. 2^eédition, paris: Editions Sirey.
- Riahi, M. (2023). "A Comparative Study of the Position of the Supreme Court over Lower Courts Considering the Normative and Factual Nature of Contract Interpretation in Iranian and French Law". *Comparative Law Studies*, 14(2), pp. 807–829 (in Persian).
- Sotoudeh Tehrani, H. (1995). *Commercial Law*. Vol. 3, 1st ed. Tehran: Dadgostar (in Persian).
- Supreme Court Judgment No. 302087 (2016, September 19). Branch 38, Supreme Court of Iran (in Persian).
- Supreme Court Judgment No. 9309970925002197 (2015, March 16). Branch 35, Supreme Court of Iran. (Duplicate retained as provided) (in Persian).
- Supreme Court Judgment No. 9309970925002197 (2015, March 16). Branch 35, Supreme Court of Iran (in Persian).
- Unification of Judicial Precedent No. 58/25 (1980, April 21). General Assembly of the Supreme Court of Iran (in Persian).